

نفت و انرژی

فاز ۱۱ پس از ۱۵ سال عاقبت به‌خیر شد

فاز اول انتقال فناوری‌های روزآمد به پارس جنوبی با مشارکت شرکت‌های ایرانی

میدان عظیم پارس جنوبی نیازی به معرفی ندارد. می‌دانی که نیمی از تولید گاز کشور را تأمین می‌کند و به دلیل مشترک‌بودن با قطر و افزایش شتابان برداشت از سوی این کشور، توسعه سریع آن گامی ضروری در راستای حفظ منافع ملی است. این موضوع آن قدر مهم بوده که در برهه‌هایی دستمایه اهداف سیاسی هم قرار گرفته است. برخی فازهای تکمیل‌نشده را افتتاح می‌کردند و برخی از آغاز مسئولیت خود متعهد می‌شوند ۳۵ماهه فازهای توسعه‌ای این میدان را به سرانجام برسانند. سرانجام بعد از کلی بالاوپایین‌شدن فرایند توسعه بخش ایرانی این میدان مشترک عظیم دریایی، در دولت یازدهم فرایند توسعه این میدان در اولویت‌های کاری وزارت نفت قرار گرفت و امور مربوط به همه فازهای طراحی‌شده شتاب درخور توجهی یافت. همه فازها به‌جز فاز ۱۱، پروژه‌ای که به دلیل نوع محصول آن، تنوع‌بخشی به روش‌های صادرات گاز و حضور ایران در بازارهای صادرات گاز مایع‌شده را هدف‌گذاری کرده بود، اما افزایش فشارهای بین‌المللی بر شرکت‌های پیمانکار روند توسعه آن را مختل کرد تا امروز پس از ۱۵ سال و با بهبود فضای جهانی، امر توسعه آن باجدیت از سر گرفته شود. قصه توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی به سال‌های انتهایی دهه ۱۳۷۰ شمسی برمی‌گردد؛ زمانی که شرکت ملی نفت ایران و شرکت توتال فرانسه برای توسعه فاز مزبور بر احداث یک کارخانه ۱۰ میلیون تنی «ال‌ان‌جی» به تفاهم رسیدند؛ ساستی که از سوی وزارت نفت و دولت ایران برای حضور در بازار صادرات گاز اتخاذ شده بود و برای این منظور از دو شرکت مطرح در زمینه تولید «ال‌ان‌جی» یعنی توتال فرانسه و پترئولاس مالزی دعوت به همکاری شده بود. اما در سال‌های بعد با افزایش فشارهای بین‌المللی و دشوارشدن فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران، شرکت‌های مزبور از فاز ۱۱ خارج شدند. در سال ۱۳۸۸ فاز ۱۱ با قراردادی پنج میلیارددلاری به شرکت CNPC چین واگذار شد اما چینی‌ها در این پروژه کاری از پیش نبردند و در نهایت در سال ۱۳۹۱ خلع‌ید شدند. در پایان همان سال و پس از تشدید تحریم‌های بین‌المللی و خروج شرکت‌های خارجی از کشور، پروژه فاز ۱۱ در قالب یک قرارداد بیع متقابل به مدت ۵۲ ماه به شرکت ایرانی پتروپارس واگذار شد. اما این واگذاری نیز گره از کار توسعه این فاز باز نکرد و شرکت مزبور عملاً نتوانست فاز موردنظر را با توجه به اهداف تعیین شده در مسیر توسعه قرار دهد.

در دولت یازدهم با اجرایی‌شدن برجام و رفع تحریم‌های کشور و صنعت نفت، با مطرح‌شدن چارچوب

قراردادهای جدید در صنعت نفت، فضای فعالیت و سرمایه‌گذاری در این صنعت وارد مرحله‌ای جدید شد. شرایطی که براساس آن، شرکت‌های خارجی ملزم به توسعه، تولید و برداشت صیانتی از میادین نفت و گاز در مدت طولانی‌تر قرارداد، استفاده از تجهیزات و همکاری با شرکای داخلی، سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی و موضوعاتی از این قبل شده‌اند. سرانجام در گشایش فضای بین‌المللی ایجادشده و برخلاف همه تلاش‌های خصمانه خارجی صورت‌گرفته در راستای ناامن جلوه‌دادن جمهوری اسلامی ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی، با امضای توافق‌نامه توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی، بار دیگر شاهد حضور جدی شرکت‌های معتبر بین‌المللی در صنعت نفت ایران هستیم؛ شرکت‌هایی که این‌بار برخلاف فعالیت‌های دمه‌های پیشین خود در ایران، مسئولیت توسعه، تولید، برداشت و نگهداشت پروژه تحت فعالیت را در دوره‌های زمانی بلندمدت متقبل می‌شوند و خروج آنها از کشور با توجه به سرمایه‌گذاری بالایی که انجام می‌دهند و درگیربودن منافع آنها با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است. با امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی با کنسرسیومی متشکل از توتال فرانسه، CNPC چین و پتروپارس ایران، همه فازهای پارس جنوبی تعیین‌تکلیف شد.

توتال در ایران: منافع ومزایا

حضور توتال در صنعت نفت ایران موافقان و مخالفان زیادی دارد. برخی برای از میدان بدرکردن این رقیب کاربند، انواع اتهام‌ها را متوجه این شرکت می‌کنند. اما آنچه مسلم است، این شرکت فرانسوی یکی از شرکت‌های صاحب‌نام و با فناوری بالا در صنعت نفت و گاز جهان است و فعالیت‌های بین‌المللی گسترده‌ای در مناطق مختلف جهان، از جمله خاورمیانه و خلیج‌فارس انجام می‌دهد. علاوه بر آن، سابقه اجرایی موفقیتی در ایران



(پارس جنوبی) دارد. شرکت توتال کار خود را در میدان پارس جنوبی با توسعه فازهای دو و سه در سال ۱۳۷۶ آغاز کرد که در سال ۱۳۸۱ به بهره‌برداری رسید. امروز و در سال ۱۳۹۵ پس از سال‌ها دوری از ایران، این شرکت بار دیگر در کنسرسیوم توسعه فاز ۱۱ حضور دارد؛ حضوری که ضمن تأمین منافع اقتصادی کشور و صنعت نفت، برخی دستاوردهای سیاسی را نیز به‌همراه خواهد داشت.

نخست آنکه براساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، موضوعاتی نظیر افزایش مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد با توسعه پیوندهای راهبردی با کشورها، افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی به پیوندهای اقتصادی با کشورها جهان، ایجاد تنوع در روش‌های فروش نفت و گاز و افزایش صادرات گاز مورد تأکید قرار گرفته است که در این قرارداد ضمن تقویت



پیوندهای بین‌المللی و استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه بازارهای صادرات گاز، در راستای بهره‌گیری از استراتژی انرژی، منافع سایر کشورها و بازارها در بلندمدت به منافع اقتصادی و امنیتی کشور مرتبط شده است و این امر، تحقق‌بخشیدن سیاست کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد و محدودکردن قدرتهای خارجی در زیان‌رسانی به اقتصاد کشور است. دوم آنکه هرچند تحریم‌های بین‌المللی علیه صنعت نفت برچیده شده است اما تاکنون شرکت‌های معتبر و طرازاول بین‌المللی از عقد قرارداد و سرمایه‌گذاری در ایران نامطمئن بوده‌اند. شرکت‌های آمریکایی برای حضور در ایران با موانع جدی مواجه هستند و دراین‌بین جلب اعتماد شرکت‌های اروپایی برای سرمایه‌گذاری در ایران فضای ایران‌هراسی‌ای که از سوی دشمنان دامن زده می‌شود را با شاکست مواجه خواهد کرد. دراین‌راستا حضور شرکت بزرگ و معتبری همچون

فارغ از روابط ومسائل سیاسی

ماهرخ‌زاد: مجموعه بزرگ صنعت نفت به ایجاد یک بانک تخصصی نیازمند است



از بازسازی روابط خود با شرکت ملی نفت ایران خودداری می‌کنند. به عنوان یک راهکار بلندمدت به نظر می‌رسد فارغ از روابط و مسائل سیاسی‌ای که مانع هرگونه همکاری است، شرکت ملی نفت ایران و به طور کلی مجموعه صنعت نفت، باید به فکر ایجاد یک بانک تخصصی باشد. امروزه بخش‌های دیگر اقتصاد مانند صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن دارای بانک‌های تخصصی هستند. اما مجموعه صنعت نفت با وجود حجم عظیم مراودات پولی و مالی، فاقد یک بانک است. **✎ محوره‌های حقوقی، بانکی و بیمه‌ای در مدل جدید قراردادهای نفتی، شامل چه مواردی می‌شود؟** درباره محوره‌های حقوقی این الگوی جدید می‌توان به حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر منابع و ذخایر نفت و گاز، عدم تضمین تعهدات قراردادی از سوی دولت و بانک مرکزی و بانک‌های دولتی، حداکثر استفاده از توان داخلی در زمینه‌های مختلف مرتبط با صنعت نفت، برداشت صیانتی از مخازن و ذخایر هیدروکربوری، انتقال و ارتقای فناوری و بومی‌سازی دانش فنی در صنعت نفت و گاز کشور اشاره کرد. درضمن محوره‌ای بانکی و بیمه‌ای تغییر چندانی نسبت به قراردادهای بیع متقابل سابق ندارد. **✎ ضمانت اجرای پروژه‌ها از سوی طرف‌های خارجی در مدل جدید قراردادهای نفتی چیست؟** به‌طورکلی در این قراردادها، طرف خارجی اقدام به تأمین مالی در مقیاس‌های چند میلیارددلاری می‌کند و به‌هرحال، تلاش بر این است قرارداد در یک موازنه و تعادل منطقی به لحاظ حقوقی شکل گیرد و طرفین از حفظ موازنه قراردادی تا ایفای کامل تعهدات مابین مطمئن باشند. به طور قطع، شرکت ملی نفت ایران از منظر کارفرمایی تلاش خواهد کرد مکانیسم‌های شفافتری را در حوزه نظارت و کنترل عملیات پیمانکاران در قرارداده‌ها درج کند. برای مثال، ارجاع تقریبا همه تصمیمات کمیته مدیریت مشترک به شرکت ملی نفت ایران و منوط‌کردن تصمیمات کلیدی پروژه به تصویب هیأت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، بخشی از سازوکارهایی است که شرکت ملی نفت ایران در قالب

به منظور تحقق ازدیاد برداشت پیش‌بینی شده است. این امر برای اولین‌بار در سطح میدان پارس جنوبی و بخش میادین دریایی کشور اجرا می‌شود که با توجه به مشترک‌بودن میدان مزبور و پایبندبودن رقیب به برداشت صیانتی، حفظ منافع ملی را به‌دنبال خواهد داشت. فناوری و زیرساخت‌های موردنیاز ساخت این نوع سکوی فوق‌سنگین که در سال‌های آتی و با توجه به افت فشار در میدان پارس جنوبی به تعداد زیادی موردنیاز خواهد بود، بالاتر از سطح دانش و زیرساخت‌های موجود پیمانکاران داخلی است و در این قرارداد شرکت‌های خارجی ملزم شده‌اند زمینه لازم را برای ساخت این نوع سکوها در داخل ایران و با مشارکت پیمانکاران داخلی فراهم کنند. بنابراین با اجرایی‌شدن ساخت سکوهای فوق‌سنگین فشارافزا در داخل کشور ضمن ارتقای فناوری شرکت‌های داخلی، الگو و تجربه مناسبی برای ساخت و نصب این نوع سکو در دیگر فازهای میدان پارس جنوبی و میادین گازی کشور در دسترس خواهد بود.

نکته آخر آنکه با توجه به افزایش طول دوره فعالیت کنسرسیوم در فاز مربوطه در قالب قراردادهای جدید، شرکت‌ها ملزم به افزایش تولید در بازه زمانی طولانی‌تری خواهند بود و این امر ضمن افزایش منافع اقتصادی کشور از میدان مشترک، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی پیمانکاران را در دوره بهره‌برداری افزایش خواهد داد. این موضوعی است که در گذشته مشکلاتی را متوجه فعالیت شرکت‌های خارجی در کشور کرده بود و این شرکت‌ها با بروز مشکلاتی از قبیل تحریم، به‌آسانی از پروژه‌های نفت و گاز خارج شده یا در تأمین و ضمانت تجهیزات باکیفیت موردنیاز پروژه‌ها کوتاهی کردند. سیاست بسیار درستی که در دولت یازدهم و با وجود همه مشکلات و محدودیت‌های مالی و تکنولوژیک در پیش گرفته شد، اتمام توسعه پارس جنوبی با اولویت بر توسعه فازهای واقع در خط مرزی میدان با کشور قطر بود که این سیاست با تمرکز بر فازهای ۱۵، ۱۲، ۱۷، ۱۶ و ۱۹ به‌خوبی در پیش گرفته و اکنون با تعیین وضعیت فاز ۱۱ کامل شد. کشور جنوبی است و هیچ‌گونه اهمالی بیش از این در نفت قطر به‌سرعت در حال بهره‌برداری از میدان مشترک توسعه این میدان از سوی وزارت نفت پذیرفته نخواهد بود. امید است با توجه به شدت‌یافتن روند توسعه فازهای پارس جنوبی در چند سال اخیر و به دور از جنجال‌های سیاسی، از تنصیب بیشتر حقوق کشور در این میدان مشترک جلوگیری به عمل آید و فاز ۱۱ باب ورود تکنولوژی جدید به این میدان و افزایش سهم برداشت گاز ایران شود.

توصیه‌یک‌کننده می‌تواند حسب مورد هیأت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، شورایی اقتصاد، هیأت ترک تشریفات یا دیگر مقامات قانونی باشد.

✎ **راهبرد مدیریت امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران درباره ارائه مشاوره‌های حقوقی چیست؟**

به‌طورکلی ارائه مشاوره‌های حقوقی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروه اول ارائه خدمات مشاوره و اعلام نظر درباره همه قراردادهایی است که حسب تکلیف مندرج در ماده ۳۷ آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران، صورت می‌پذیرد. در این راستا، پیش‌نویس متن همه قرارداده‌ا، از سوی مدیریت‌ها و واحدهای مختلف به این مدیریت ارجاع می‌شود و مطابق با آخرین قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، معتمر و مصوبات مرتبط هیأت وزیران، شورایی اقتصاد، هیأت‌مدیره و... بررسی‌های لازم صورت گرفته و لغایت نظریه مشورتی امور حقوقی همراه با پیشنهاد اصلاح یا تغییرات احتمالی به واحد مربوط اعلام می‌شود.

گروه دوم ارائه مشورت‌های حقوقی شامل، پاسخ به هرگونه سؤال حقوقی واحدهای مختلف صنعت نفت در حوزه فعالیت‌های این شرکت و شرکت‌های تابعه و در زمینه قوانین، طرح‌ها و لوایح پیشنهادی، مقررات اداری و استخدامی، قراردادی تحصیل و تملک اراضی دیوان عدالت، دیوان عدالت، دیوان محاسبات و تعامل با سایر دستگاه‌های دولتی و... .

بدیهی است ارائه مشاوره حقوقی در انطباق کامل با قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی ناظر بر فعالیت شرکت ملی نفت ایران و با رعایت صرفه و صلاح کشور و شرکت و با رعایت صرفه و صلاح کشور و شرکت صورت می‌پذیرد.

✎ **لطفا درباره مهم‌ترین فعالیت‌های مدیریت امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران در حوزه آموزش نیروی انسانی نیز بفرمایید و اینکه آیا دراین‌باره تعاملات بین‌المللی نیز دارید؟**

همه فعالیت‌های آموزشی نیروهای شاغل در این مدیریت اعم از کارشناسان و کارکنان، با هماهنگی اداره آموزش مرکزی و از طریق این اداره انجام می‌شود. در موارد خاص به طور هم‌زمان، آن دسته از مؤسسات متناسباً اصلاح یا تکمیل می‌کند. مرحله بعد مذاکره نیاز کارشناسان این مدیریت مبادرت می‌ورزند، ابتدا دوره‌های موردنظر در حوزه‌های مختلف نظیر قرارداده‌ا اعم از داخلی و خارجی، مناقضات، مالیات‌ها، اراضی، ثبت و... حسب نیاز و همراه با کارشناسان منتخب به واحد آموزش مرکزی معرفی و قرارداد لازم از طریق واحد یاد شده منعقد و به‌این‌ترتیب دوره‌های یادشده برگزار می‌شود. درمجموع، باوجود برنامه سال‌های گذشته از جمله اعزام دانشجویان بورسیه برای طی دوره‌های آموزشی در خارج از کشور، درحال‌حاضر به دلیل محدودیت‌های منابع مالی (ارزی)، برنامه‌هایی برای استفاده از مراکز آموزش خارجی و بین‌المللی در حوزه این مدیریت وجود ندارد.

توتال می‌تواند علامت مثبتی به سایر شرکت‌های فعال در عرصه نفت و گاز جهان باشد که ایران مکان امنی برای سرمایه‌گذاری است. به عبارتی دیگر، حضور توتال در بخش نفت و گاز ایران و انجام سرمایه‌گذاری عظیم حدود پنج میلیارددلاری، ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت نفت کشور را کاهش خواهد داد و امید می‌رود پس از این موافقت‌نامه همکاری، شاهد حضور جدی‌تر شرکت‌های بین‌المللی در عرصه فعالیت صنعت نفت کشور باشیم. نکته سوم آنکه، در قالب قراردادهای جدید نفتی، شرکت‌های خارجی ملزم به انتخاب یک شرکت ایرانی به عنوان شریک در پروژه هستند. در این پروژه شرکت‌های خارجی ضمن تأمین مالی کامل طرح، با شرکت باتجربه ایرانی پتروپارس همکاری خواهند کرد که با توجه به قابلیت‌های این شرکت در عرصه نفت و گاز، می‌تواند در ارتقای فناوری و مدیریت پروژه تجارب ارزشمندی را به دنبال داشته باشد.

علاوه بر آن، مشارکت بالای ساخت و شرکت‌های داخلی در تأمین تجهیزات موردنیاز اجرای فاز ۱۱ است که این مورد نیز از جمله نکات مثبت در قراردادهای جدید است به‌طوری‌که در این پروژه با انتقال فناوری و افزایش توان شرکت‌های داخلی، سهم ساخت داخل در تأمین و ساخت سکوهای فوق‌سنگین فراساحلی و همچنین خطوط لوله و تجهیزات انتقال در سبستر دریا و خشکی به بیش از ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. این امر ضمن ایجاد رونق در شرکت‌های داخلی و بهبود سطح فناوری آنها، افزایش اشتغال را به دنبال خواهد داشت.

انتظار می‌رود در روند اجرای این پروژه فناوری ساخت کمپرسورهای پرفشار گاز ترش نیز به کشور انتقال یابد. اما نکته مهم در قرارداد توسعه فاز ۱۱، التزام شرکای خارجی بر توجه جدی به موضوع افزایش

ضرب برداشت گاز و میعانات گازی از فاز مزبور است.

دراین‌باره ساخت و نصب سکوی عظیم افزایش فشار گاز

است، یعنی اصطلاحاً (take) هر یک از طرفین چه میزان باشد. سایر مسائل معمولاً فرع بر این نکته اصلی است. طبیعی است مانند هر قرارداد اصطلاحاً مغاینه‌ای، طرفین تلاش خود را برای حداکثرسازی منافع خویش به‌کار می‌گیرند و قراردادهای نفتی نیز از این قاعده مستثناء نیستند. این مسئله تا جایی پیش رفته است که امروزه وجه غالب در قراردادهای نفتی را اساساً نظام مالی (Fiscal system) آنها در نظر می‌گیرند. بنابراین اگر کسی بخواهد محورهای اصلی مذاکرات را در قراردادهای نفتی بداند، باید در ابتدا به سراغ متخصصان نظام‌های مالی قرارداده‌ها برود. اولویت ما در همه قرارداده‌ا حداکثرسازی منافع ملی است؛ به‌ویژه در زمینه میادین مشترک که از اولویت حیاتی برای شرکت ملی نفت ایران و کل کشور برخوردار است.

✎ **نحوه نظارت مدیریت امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران بر موافقت‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های شرکت ملی نفت ایران چگونه است؟ آیا تصویب آنها منوط به تأیید این مدیریت است؟**

امور حقوقی، بررسی حقوقی متن پیش‌نویس تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های شرکت ملی نفت ایران و در صورت لزوم تهیه و نگارش اولیه آنها را بر عهده دارد. پس از تهیه پیش‌نویس، این امور، ضمن ارسال آن به واحدها و مدیریت‌های ذی‌ربط، اقدام به اخذ نظرات کارشناسی و تخصصی آنها کرده و متن را متناسباً اصلاح یا تکمیل می‌کند. مرحله بعد مذاکره تفاهم‌نامه یا موافقت‌نامه است که به وسیله تیم مذاکره متشکل از نمایندگان واحدهای ذی‌ربط از جمله نماینده امور حقوقی، صورت می‌گیرد. با توجه به مطالب یادشده، مشخص است امور حقوقی از مراحل ابتدایی تا نهایی‌شدن تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های شرکت ملی نفت ایران، حضور فعال دارد و تأیید مدیریت حقوقی برای امضای نهایی این اسناد، لازم است. با این حال، این بدان معنا نیست که امور حقوقی تصویب‌کننده تفاهم‌نامه‌ها یا موافقت‌نامه‌هاست، چراکه مقامات تصویب‌کننده در چارچوب قوانین و مقررات مشخص شده‌اند. بنابر نوع تفاهم‌نامه یا موافقت‌نامه و مفاد آن اعم از تعهدآوربودن یا عدم دربر داشتن تعهد، مقام

علی‌اکبر ماهرخ، مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران

تلاش می‌کنند موضوع را از طریق رایزنی مقامات ارشد کارفرما و پیمانکار در حداقل زمان ممکن، حل‌وفصل کنند. اگر راه‌حل‌های ک‌خدامشاشانه به نتیجه نرسد به سراغ کارشناسان مرضی‌الطرفین (موردرضایت و طرفی می‌روند و نظر کارشناسی می‌گیرند. در این مرحله بسته به اینکه طرفین نظر کارشناس بی‌طرف و مرضی‌الطرفین را قاطع اختلاف و فصل‌الخطاب تلقی کرده و خود را به آن ملزم و متعهد کرده باشند یا خیر، دو وضعیت ممکن است رخ دهد. اگر حسب توافق طرفین، رای کارشناس بی‌طرف الزام‌آور باشد، طبق آن عمل خواهد شد والا اگر رای کارشناس غیرالزام‌آور باشد، راهکار نهاییی ارجاع اختلاف به داور تجاری بین‌المللی است. به نظر نمی‌رسد درباره پیگیری دعاوی و شکایات تفاوت خاصی در وضعیت کشور رخ داده باشد. چه قبل و چه بعد از تحریم‌ها، واحدهای حقوقی در مواقع موردنیاز اقدام به اقامه دعوی یا دفاع در پرونده‌ها می‌کنند. البته ناگفته نماند بعد از برجام، در رابطه با مراودات با مؤسسات حقوقی و وکلای خارجی گشایش‌هایی اتفاق افتاده است.

✎ **محورهای مذاکرات در قراردادهای خارجی عموماً چیست؟ اولویت‌های موردنظر ایران شامل چه مواردی است؟**

نکته اصلی در قراردادهای نفتی «ستانده» طرفین